

لیست افعال داتیو و اکوزاتیو pdf



اگر آلمانی خوندن رو تازه شروع کرده باشی احتمالاً متوجه شدی که یک کلمه تو جمله ممکنه مدام شکلش عوض بشه! مثلاً یه جا می‌گن **der Mann**، یه جای دیگه **den Mann** یا **dem Mann**. دلیلش چیه؟ حالت‌های مفعولی!

تو آلمانی فعل‌ها هستن که تعیین می‌کنن مفعول باید در حالت آکوزاتیو (مفعول مستقیم) باشه یا داتیو (مفعول غیرمستقیم). اگه این قانون رو بلد نباشی، احتمالاً اشتباه می‌نویسی یا حرفت نامفهوم می‌شه. خبر خوب اینکه تعداد افعال داتیو خیلی کمه و با یادگیری همین لیست طلایی، می‌تونی ۹۰٪ جمله‌ها رو درست بسازی.

با خوندن این مقاله دیگه هیچ‌وقت موقع استفاده از مفعول‌ها گیج نمی‌شی و می‌تونی هر جمله‌ای رو با خیال راحت بسازی. بیا شروع کنیم!

داتیو و آکوزاتیو چیه؟!

برای اینکه ساده‌تر متوجه بشید اول باید بدونید مفعول چیه.
ما تو زبان فارسی می‌گیم آن مرد کتاب را برداشت.
پس آن مرد چه چیز برداشت؟ کتاب رو.

اینجا کتاب همیشه مفعول.

حالا تو زبان آلمانی هم به همین شکله. ما سه حالت مفعولی اصلی داریم: Nominativ (فاعل)، Akkusativ (مفعول مستقیم) و Dativ (مفعول غیرمستقیم).

تو زبان آلمانی هر فعلی که انتخاب می کنی، بهت میگو که چند تا مفعول باید داشته باشی و اون مفعولها باید توی چه حالتی (Case) باشن.

وقتی می‌گیم یک فعل، فعل آکوزاتیو هست یعنی: اون فعل فقط به یک مفعول اصلی نیاز داره و اون مفعول باید در حالت آکوزاتیو یا مستقیم قرار بگیره.

اما وقتی می‌گیم یک فعل فعل داتیو هست یعنی اون فعل فقط به یک مفعول اصلی نیاز داره و اون مفعول باید در حالت داتیو یا غیر مستقیم قرار بگیره.



۱. لیست افعال آکوزاتیو (Akkusativ Verben)

آکوزاتیو نقش اصلی مفعول رو بازی می‌کنه؛ یعنی کسی یا چیزی که فعل مستقیماً روش انجام می‌شه.

مثال فارسی:

- من سیب را می‌خورم. (سیب، مفعول مستقیم)
- او تو را دوست دارد. (تو، مفعول مستقیم)

در آلمانی:

تقریباً اکثر افعال (مثل *kaufen, machen, sehen, fragen*) مفعول آکوزاتیو می‌گیرند.

- **Ich kaufe den Mantel.** (من کت را می‌خرم.)
- **Sie liebt dich.** (او تو را دوست دارد.)

این‌ها راحت‌ترین نوع افعال هستند. کافیه بپرسی: "چه کسی/چیزی را؟"

قانون کلی: هر فعل متعدی (یعنی فعلی که به مفعول نیاز دارد)، اگر داتیو نباشد، احتمالاً آکوزاتیو.

مثال‌ها:

معنی مثال	مثال (Ich + Perfekt)	معنی فارسی	فعل آلمانی
من یک سگ دارم.	Ich habe einen Hund	داشتن	haben
من کلید را جستجو کردم.	Ich habe den Schlüssel .gesucht	جستجو کردن	suchen
او عینکش را پیدا می‌کند.	Er findet seine Brille	پیدا کردن	finden
من خانواده‌ام را دوست دارم.	Ich liebe meine Familie	دوست داشتن	lieben
او یک نان می‌خرد.	Sie kauft ein Brot	خریدن	kaufen
من تو را ملاقات می‌کنم.	Ich besuche dich	ملاقات کردن	besuchen
ما یک فیلم می‌بینیم.	Wir sehen einen Film	دیدن	sehen
من تکالیف را انجام می‌دهم.	Ich mache die Hausaufgaben	انجام دادن	machen

نکته گرامری: دقت داشته باشید که مهم ترین تغییر در حالت آکوزاتیو مربوط به اسم‌های مذکر (Der) هست که تبدیل به Den می‌شن. بقیه (Die, Das) ثابت می‌مونن.

یعنی اسم‌های مؤنث (Die)، خنثی (Das) و جمع (Die) در حالت آکوزاتیو هیچ تغییری نمی‌کنن.

مثال های بیشتر از افعال آکوزاتیو:

مثال با جمله	معنی	تلفظ تقریبی (فارسی)	فعل (Verb)
Er isst einen Apfel. (اون یه سیب می‌خوره.)	خوردن	اِسِن	essen
Wir trinken Wasser. (ما آب می‌نوشیم.)	نوشیدن	تُرینکن	trinken
Ich schreibe einen Brief (من یه نامه می‌نویسم.)	نوشتن	شُراییِن	schreiben
Er nimmt das Buch. (اون کتاب رو برمی‌داره.)	برداشتن	نِیْمِن	nehmen
Wir hören die Musik (ما موسیقی رو می‌شنویم.)	شنیدن	هُرِن	hören
Kennst du den Mann? (اون مرد رو می‌شناسی؟)	شناختن	کِنِن	kennen
Sie bauen ein Haus. (اونا یه خونه می‌سازن.)	ساختن	باوئِن	bauen
Er öffnet die Tür. (اون در رو باز می‌کنه.)	باز کردن	اُفِنِن	öffnen
Sie schließt das Fenster (اون پنجره رو می‌بنده.)	بستن	شُلِیْسِن	schließen
Ich trage einen Mantel. (من یه کت می‌پوشم.)	پوشیدن/حمل کردن	تُرَاگِن	tragen
Der Lehrer korrigiert die Hausaufgaben (معلم تکالیف رو تصحیح می‌کنه.)	تصحیح کردن	کوری‌گیرِن	korrigieren
Hast du deinen Pass vergessen? (پاست رو فراموش کردی؟)	فراموش کردن	فِرگِسن	vergessen

۲. لیست افعال داتیو (Dativ Verben)

داتیو معمولاً به گیرنده یا هدف عمل اشاره می‌کند. در واقع، کسی یا چیزی که از اون عمل منفعت یا ضرر می‌بیند.

مثال فارسی:

- من به مادرم یک گل می‌دهم. (مادرم گیرنده گل است، مفعول غیرمستقیم)
- این لباس به تو خوش می‌آید. (تو گیرنده حس خوشایند هستی)

در آلمانی:

فقط تعداد کمی از افعال (مثل *helfen, danken, gefallen, gehören*) مفعول داتیو می‌گیرند.

- Ich helfe dir. (من به تو کمک می‌کنم.)
- Das Auto gehört meinem Vater. (ماشین متعلق به پدرم است.)

افعال داتیو معمولاً مربوط به احساسات، کمک کردن، یا ارتباط مستقیم با یک شخص هستند. برای مفعول این افعال می‌پرسی: "به چه کسی/چیزی؟" یا "برای چه کسی/چیزی؟"

تعداد افعال داتیو خیلی کمتر از آکوزاتیو هست. پس بهتره این‌ها رو حفظ کنی.

مثال:

معنی مثال	مثال (Präsens)	معنی فارسی	فعل آلمانی
من به برادرم کمک می‌کنم.	Ich helfe meinem Bruder.	کمک کردن	helfen
من از شما (رسمی) تشکر می‌کنم.	Ich danke Ihnen.	تشکر کردن	danken
من از آن ماشین خوشم می‌آید (دوستش دارم).	Das Auto gefällt mir.	دوست داشتن	gefallen
کفش‌ها برای تو مناسب هستند.	Die Schuhe passen dir gut.	مناسب بودن	passen

gratulieren	تبریک گفتن	Wir gratulieren der .Kollegin	ما به همکار (مؤنث) تبریک می‌گوییم.
folgen	دنبال کردن	.Er folgt dem Hund	او سگ را دنبال می‌کند.
zugehören	متعلق بودن	Das Handy gehört .meinem Vater	این موبایل متعلق به پدرم است.

نکته گرامری: حالت داتیو تغییرات زیادی دارد. مثلاً:

- **Der** (مذکر) تبدیل به **Dem**
- **Die** (مؤنث) تبدیل به **Der**
- **Das** (خنثی) تبدیل به **Dem**
- **جمع** (Die) تبدیل به **Den** و یک **n-** به انتهای اسم اضافه می‌شود (اگر قبلاً **n-** یا **s-** نداشته باشد).

مثال های بیشتر:

فعل (Verb)	تلفظ تقریبی (فارسی)	معنی	مثال با جمله
geben	گِبن	دادن	Er gibt seiner Schwester ein Geschenk (اون به خواهرش یه هدیه می‌ده).
sagen	زاگن	گفتن	Sie sagt ihrem Chef die Wahrheit (اون به رئیسش حقیقت رو می‌گه).
antworten	آنت‌وُرتن	جواب دادن	Ich antworte dem Mann (من به اون مرد جواب می‌دم).
schmecken	شِمِکن	خوشمزه بودن	Der Kuchen schmeckt den Kindern (این کیک برای بچه‌ها خوشمزه‌ست).
glauben	گُلاوِبن	باور کردن	Ich glaube meinem Bruder (من به برادرم باور دارم).
begegnen	بِگِگنن	ملاقات کردن	Ich begegne einem Freund (من یه دوست رو

اتفاقی می بینم.)	(به طور اتفاقی)		
Sie vertraut ihrem Partner (اون به شریکش اعتماد داره.)	اعتماد کردن	فِرْتراوئن	vertrauen
Ich höre meinem Lehrer zu (من به معلم گوش می دم.)	گوش دادن	تسوهرن	zuhören
Er widerspricht seinem Vater (اون با پدرش مخالفت می کنه.)	مخالفت کردن	ویدرشپِرشن	widersprech en
Sie schenkt ihrem Freund ein Buch (اون به دوستش یه کتاب هدیه می ده.)	هدیه دادن	شِنکن	schenken
Der Lehrer erlaubt den Schülern eine Pause (معلم به دانش آموزا اجازه ی استراحت می ده.)	اجازه دادن	إرلاوبن	erlauben
Ich empfehle meinem Freund einen Film (من به دوستم یه فیلم توصیه می کنم.)	توصیه کردن	إمپ فِلن	empfehlen
Das Kleid sieht ihr gut aus (این لباس بهش میاد.)	به نظر آمدن	آوس زین	aussehen
Mein Kopf tut mir weh (سرمد درد می کنه.)	درد کردن	وه تون	wehtun

۳. افعال دو مفعولی: داتیو + آکوزاتیو

این ها سخت ترین ها هستن، چون هم زمان به دو مفعول نیاز دارن! معمولاً مربوط به فعل هایی هستن که در آن ها چیزی (آکوزاتیو) به کسی (داتیو) داده می شه، گفته می شه یا نشان داده می شه.

قانون اصلی:

- داتیو (Dativ): کسی که چیزی را دریافت می کند (معمولاً شخص).
- آکوزاتیو (Akkusativ): چیزی که داده می شود (معمولاً شیء).

معنی مثال:

معنی مثال	مثال	ساختار مفعولی	معنی فارسی	فعل آلمانی
من کتاب را به تو می دهم.	Ich gebe dir das .Buch	Dativ + Akkusativ	دادن	geben
او به من گل هدیه می دهد.	Er schenkt mir .Blumen	Dativ + Akkusativ	هدیه دادن	schenken
ما به او یک ایمیل می نویسیم.	Wir schreiben ihm .eine E-Mail	Dativ + Akkusativ	نوشتن	schreiben
من قانون را به شما ها توضیح می دهم.	Ich erkläre euch die .Regel	Dativ + Akkusativ	توضیح دادن	erklären
او خانه را به مهمان ها نشان می دهد.	Sie zeigt den Gästen .das Haus	Dativ + Akkusativ	نشان دادن	zeigen

سوالات متداول

چطور بفهمم یک اسم آلمانی مذکره (Der) یا مؤنث (Die) یا خنثی (Das)؟

هیچ قانون صد در صدی وجود ندارد. جنسیت اسمها کاملاً قراردادی و منطق خاصی پشتش نیست. به همین دلیل هرگز یک اسم رو بدون حرف تعریفش حفظ نکن. از همون روز اول کلمه رو با حرف تعریفش (Der/Die/Das) یاد بگیر.

اگر یک فعل هم داتیو باشه و هم آکوزاتیو، کدوم رو اول بیارم؟

قانون کلیش اینه: داتیو (کسی که چیزی رو می گیره) اول میاد، بعد آکوزاتیو (چیزی که داده می شه).